بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۶ | November 9. 2026-No 86

اخبار محیط زیست ایران



کاپ ۱۷، یک نقطه عطف در بین کاپ‌ها

کاپ ۱۷، هفدهمین اجلاس کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل (CBD) از ۱۹ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶ در ایروان، پایتخت ارمنستان برگزار شد و نزدیک به ۲۰۰ کشور در آن شرکت کردند. امضاکنندگان کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل هر دو سال یکبار این اجلاس را برگزار می‌کنند. این کنوانسیون یکی از سه کنوانسیونی است که در اجلاس زمین در ریو در سال ۱۹۹۲ در کنار تغییرات اقلیمی و بیابان‌زایی ایجاد شد.

در انتخاب ارمنستان برای کاپ ۱۷، تنوع زیستی مورد توجه بود. این کشور تنها ۶.۷ درصد از منطقه قفقاز را پوشش می‌دهد. اما تقریباً ۶۰ درصداز تنوع زیستی منطقه را در خود جای داده و دارای اکوسیستم‌های متنوع و هزاران گونه گیاهی و جانوری است. لوگوی این کنفرانس "پروانه آبی ایروان" (Yerevan blue butterfly) است که فقط در ارمنستان یافت می‌شود. این پروانه در کنار مردم ایروان زندگی می‌کند و در هیچ جای دیگری از جهان یافت نمی‌شود. بانک مرکزی ارمنستان به مناسبت برگزاری این کنفرانس، سکه نقره‌ای یادبودی با نام "COP17" منتشر کرد که تصویر پروانه آبی ایروان روی آن نقش بسته است.

ار کاپ ۱۶ تا کاپ ۱۷

کاپ ۱۶ که در کالی کلمبیا برگزار شد، از ناکامی در پیشرفت اهداف ۲۳گانه‌ای حکایت داشت. اهداف ۲۳گانه در مونترال کانادا و در جریان کاپ ۱۵ در سال ۲۰۲۲ تعیین شده بود. در تیرماه امسال نیز، در جریان بیست‌وهشتمین نشست کارشناسی کنوانسیون تنوع‌زیستی در نایروبی کنیا، نمایندگان کشورها به این نتیجه رسیدند که مسیرهای رسیدن به تک‌تک اهداف ۲۳گانه به انحراف رفته است . لذا در کاپ ۱۷، وزیران محیط‌زیست باید تصمیم بگیرند که برای بازگشت به مسیر اصلی چه باید انجام دهند و نشست ایروان، باید تأمین مالی برای حفاظت و احیای تنوع‌زیستی متمرکز شود.

کشورها، تأمین مالی برای تنوع‌زیستی را جدی نمی‌گیرند. پس از کاپ ۱۶ کلمبیا برای تأمین مالی جهت دستیابی به اهداف ۲۳گانه کنوانسیون فقط هفت هزار دلار به این صندوق واریز شده است؛ درحالی‌که هدف‌گذاری اولیه برای این صندوق، دست‌کم سالانه یک میلیارد دلار بود. این صندوق انگشت اتهام را به‌سوی ۱۵ شرکت داروسازی بزرگ جهان دراز کرده که باید ۷۵۶ میلیون دلار به این صندوق واریز می‌کردند، اما ترجیح دادند ۱۷۵ برابر این عدد را به‌عنوان سود به سهامداران خود پرداخت کنند. براساس آنچه در کالی توافق شده بود، شرکت‌هایی که از ژن‌های طبیعی برای فعالیت‌های اقتصادی بهره می‌برند، باید یک درصد از سود سالانه یا یک‌دهم (۰,۱) درصد از درآمد سالانه خود را به صندوق کالی اختصاص دهند. اما آن‌طور که "زیرو کربن آنالیتیکز" (Zero Carbon Analytics) گزارش کرده، آن‌ها در سال ۲۰۲۵، ۱۶۱ میلیارد دلار سود داشته‌اند، اما پولی برای حفاظت و احیای تنوع‌زیستی واریز نکرده‌اند. فعالان حقوق جوامع بومی و محلی و رسانه‌ها این شرکت‌ها را به "سواری مفتی از طبیعت" متهم کرده‌اند.

نتایج کاپ ۱۷

تصویب سندی موسوم به Yerevan Pathway

مهم‌ترین نتیجه اجلاس دو هفته ای کاپ ۱۷، تصویب سندی موسوم به Yerevan Pathway بود. این سند نشان می‌دهد که جهان برای دستیابی به اهداف ۲۳گانه تنوع زیستی عقب است و باید اجرای اقدامات را تسریع کند این سند بر موارد زیر تأکید دارد:

ـــ تسریع اجرای اهداف ۲۳گانه تنوع زیستی تا سال ۲۰۳۰.
ـ حذف یا اصلاح یارانه‌ها و مشوق‌های مخرب طبیعت.
ـــ افزایش حمایت مالی، علمی و فنی از کشورهای در حال توسعه.
ـ همسو کردن بودجه‌ها و تصمیمات اقتصادی دولت‌ها با اهداف حفاظت از تنوع زیستی.

بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۶ | November 9. 2026-No 86

ـــــ تقویت نظام‌های پایش، گزارش‌دهی و ارزیابی پیشرفت .

تصویب حدود ۵۰ تصمیم تخصصی

اجلاس حدود ۵۰ تصمیم در حوزه‌های مختلف تنوع زیستی تصویب کردند. از جمله:

ـ مناطق حفاظت‌شده
ـ تنوع زیستی جنگل‌ها
ـ تنوع زیستی دریایی و ساحلی
ـ مدیریت پایدار حیات وحش
ـ گونه‌های مهاجم غیربومی
ـ زیست‌فناوری و زیست‌ایمنی
ـ آموزش و آگاهی عمومی
ـ مشارکت دولت‌های محلی و شهری
ـ سلامت و تنوع زیستی
ـ برابری جنسیتی در سیاست‌های تنوع زیستی

تصمیمات مالی

پس از مذاکرات دشوار و مفصل درباره تأمین مالی حفاظت از طبیعت، در نهایت توافق شد:

ـــ مبنایی برای شکل‌دهی سازوکار مالی بلندمدت پس از ۲۰۳۰ تدوین شود.
ـــــ دامنه کشورهای تأمین‌کننده منابع مالی گسترش یابد.
ـــ عملکرد صندوق محیطزیست جهانی (GEF) و صندوق جهانی تنوع زیستی (GBFF) مورد بازبینی قرار گیرد

ارزیابی از اجلاس کاپ ۱۷

کاپ ۱۷ در بین کاپ‌ها، بجهات زیر یک نقطه عطف بود:

ـ برای نخستین بار در اجلاس، پیشرفت واقعی کشورها در اجرای اهداف جهانی تنوع زیستی مورد ارزیابی قرار گرفت.
ـــ اجماع جهانی شکل گرفت که جهان از اهداف ۲۰۳۰ عقب‌تر از برنامه است.
ـــــ تمرکز مذاکرات از "تعیین اهداف جدید" به "اجرای اهداف موجود" منتقل شد .
ـــــ در طول کنفرانس، تعهدات مالی جدید برای تنوع زیستی بیش از ۱.۸ میلیارد دلار اعلام شد.

کاپ ۱۸ در سال ۲۰۲۸ در کیتو، اکوادور برگزار خواهد شد./ **بهروز خلیق**

به مناسبت ۸ آبان روز ملی محیطبان

حافظان بی‌حفاظت؛ «حق ما نیست این‌طور بمیریم»



به جرأت بگویم، در مجموع من به عنوان یک محیطبان باسابقه برای محیط زیست ایران هیچ آینده خوبی نمی‌بینم.» این جمله را هدایت‌الله دیده‌بان گفته بود؛ محیطبانی که سال‌ها در منطقه حفاظت‌شده خائیز از حیات‌وحش محافظت کرد و سرانجام سیزدهم خرداد ۱۴۰۴ با شلیک مستقیم شکارچیان غیرمجاز جان باخت. او پیش‌تر از حقوق اندک، نبود حمایت و خطر دائمی مأموریت‌های محیطبانی گفته بود؛ هشدارهایی که چند ماه بعد به سرنوشت خودش تبدیل شد.

مرگ دیده‌بان تنها حادثه آن سال نبود. کاظم مصدق، معروف به یاسر، ششم اردیبهشت و محمود شاهمرادی در نیمه مرداد ۱۴۰۴، در پارک ملی گلستان با شلیک شکارچیان کشته شدند. پس از مرگ شاهمرادی، یکی از همکارانش در ویدئویی با بغض فریاد زد: «حق ما نیست این‌طور بمیریم. واقعاً حق ما نیست.

اما خطر محیطبانی همیشه به گلوله شکارچیان ختم نمی‌شود. برومند نجفی، محیطبان منطقه بیستون، پس از درگیری با شکارچیان و تشکیل پرونده قضایی، مرداد ۱۴۰۱ مقابل دادگستری کرمانشاه به دست پدر فرد جان‌باخته به قتل رسید. محمدامین خوارزمی نیز پس از مواجهه با حکم قصاص، سرانجام آبان ۱۴۰۴ با گذشت خانواده مقتول آزاد شد.

این حوادث در کنار مشکلات معیشتی، کمبود تجهیزات و ناامنی حقوقی، تصویری از وضعیت دشوار محیطبانان ارائه می‌دهد. به گفته شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیطزیست، ۱۵۴ محیطبان در مسیر حفاظت از طبیعت جان باخته‌اند و ۳۷۴ نفر نیز جانباز یا مصدوم شده‌اند. همچنین حدود ۶۰ درصد پست‌های محیطبانی بلاتصدی است.

امروز، هشتم آبان، روز ملی محیطبان است؛ فرصتی برای یادآوری حقی ابتدایی که گاهی زیر سایه تقدیر و تجلیل فراموش می‌شود: حق زنده ماندن. حفاظت از طبیعت بدون حفاظت از محیطبانان ممکن نیست. اصلاح قوانین به‌کارگیری سلاح، تأمین تجهیزات، بهبود معیشت، افزایش نیروی انسانی و حمایت حقوقی و روانی از این نیروها، دیگر وعده‌هایی تشریفاتی نیستند؛ ضرورت‌هایی برای جلوگیری از تکرار تراژدی‌هایی هستند که خانواده‌های بسیاری را داغدار کرده‌اند.

منبع: سایت امتداد

آناهیتا برومندپور، دختر ۱۰ ساله ایرانی اهل شیراز موفق به کسب جایزه IQNET شد.



آناهیتا برومندپور، دختر ۱۰ ساله ایرانی اهل شیراز، تنها کودک ایرانی میان برگزیدگان بیست‌وششمین دوره مسابقه بین‌المللی نقاشی محیط زیست کودکان JQAبود که موفق به کسب جایزه IQNET شد . این مسابقه را سازمان تضمین کیفیت ژاپن (JQA) و شبکه بین‌المللی نهادهای صدور گواهی (IQNET) برگزار می‌کنند و دفتر توکیوی یونیسف و آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن از آن حمایت می‌کنند. مسابقه بین‌المللی نقاشی محیط زیست کودکان JQA درباره چرایی برگزاری این مسابقات نوشته است : »ما این مسابقه را برگزار می‌کنیم تا به کودکانِ نسل آینده فرصت دهیم از طریق کشیدن نقاشی با موضوع «محیط زیستِ زمینِ ما»، نسبت به محیط زیست جهانی خود آگاهی بیشتری پیدا کنند«.

منبع: رادیو زمانه

همزمان با گمانه‌زنی درباره حملات تازه؛ آلودگی نفتی خلیج فارس چهار برابر شد



رسانه‌های آمریکایی در ادامه گزارش‌های روزهای اخیر، از احتمال ازسرگیری حملات آمریکا و اسرائیل به ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره خبر داده‌اند. همزمان، برای نخستین بار توجه این رسانه‌ها به پیامدهای زیست‌محیطی جنگ ایران نیز جلب شده است. دلیل این توجه، انتشار پژوهشی از دانشگاه جنوب فلوریداست که بر اساس بررسی تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد وسعت لکه‌های نفتی در خلیج فارس در ماه مارس، در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته، حدود چهار برابر شده است.

ادامه مطلب:

https://www.bbc.com/persian/articles/cky935l4xn45o

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 9. 2026-No 86 | شماره ۸۶ | دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵

سد سجادرود: کمبود آب لزوماً سدسازی را توجیه نمی‌کند



طرح احداث سد سجادرود در شهرستان بابل، با نگرانی‌هایی درباره تخریب جنگل‌های هیرکانی، تغییر جریان طبیعی رودخانه و جابه‌جایی روستاییان همراه شده است. روزبه اسکندری، کارشناس محیط زیست، در گفت‌وگو با رادیو زمانه تأکید می‌کند که ضرورت تأمین آب را نباید با ضرورت سدسازی یکسان دانست و پیش از اجرای طرح باید گزینه‌هایی مانند احیای آب‌بندان‌ها و مدیریت مصرف به‌طور مستقل بررسی شوند. او همچنین هشدار می‌دهد که تخریب جنگل طبیعی هیرکانی با کاشت نهال جبران‌پذیر نیست و پرداخت غرامت به روستاییان نیز نمی‌تواند جایگزین مشارکت واقعی آنان در تصمیم‌گیری شود

ادامه مطلب:
https://t.me/iv?url=https://www.radiozamaneh.com/903481/&rhash=0ceb6994783a68

بحران دریاچه ارومیه؛ دریاچه ارومیه آب گرفت؛ بحران تمام نشد

امتداد-گروه اجتماعی: دریاچه ارومیه در پاییز ۱۴۰۵ با شرایطی متفاوت از سال گذشته روبه‌رو شده است. تازه‌ترین آمارهای اعلام‌شده از سوی مسئولان آب منطقه‌ای و محیط زیست نشان می‌دهد که تراز و حجم آب دریاچه نسبت به پاییز گذشته افزایش قابل‌توجهی داشته است. با این حال، مسئولان و کارشناسان تأکید می‌کنند که بهبود شاخص‌های آبی به معنای پایان بحران یا احیای کامل دریاچه نیست.



براساس اطلاعات ثبت‌شده در ۱۹ مهرماه، تراز سطح آب دریاچه ارومیه به ۱۲۷۰ متر و ۵۸ سانتی‌متر از سطح دریا رسیده است. در همین تاریخ، وسعت پهنه آبی حدود یک‌هزار و ۹۴۶ کیلومترمربع و حجم آب موجود نزدیک به دو میلیارد و ۵۲۰ میلیون مترمکعب برآورد شده است.

این ارقام در مقایسه با شرایط بحرانی سال گذشته نشانه بهبود هستند؛ اما دریاچه همچنان حدود سه متر و ۵۲ سانتی‌متر با تراز اکولوژیک خود فاصله دارد. فاصله‌ای که نشان می‌دهد بازگشت آب به بخشی از بستر دریاچه را نباید با احیای پایدار اکوسیستم آن یکسان دانست.

بارش‌های مهر، روند کاهش تراز را متوقف کرد

محمدعلی حسن‌پور اقدم، مدیر مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی، دوم آبان اعلام کرد که بارش‌های مؤثر مهرماه باعث توقف روند نزولی تراز دریاچه در آغاز سال آبی جدید شده است. به گفته این مقام مسئول، حجم آب دریاچه در این مقطع حدود دو میلیارد و ۵۵۰ میلیون مترمکعب تثبیت شده است. او در عین حال تأکید کرده که تداوم این شرایط به میزان و توزیع بارندگی‌های ماه‌های آینده و مدیریت منابع آب حوضه بستگی دارد. اهمیت این تحول در آن است که در سال‌های گذشته، کاهش سطح آب دریاچه گاه تا ماه‌های آغازین پاییز نیز ادامه پیدا می‌کرد. توقف زودهنگام افت تراز می‌تواند

فرصتی برای حفظ ذخیره آبی فراهم کند، اما به‌تنهایی نشانه رفع عوامل اصلی بحران نیست.

سه‌ونیم متر فاصله تا وضعیت مطلوب

یوسف غفارزاده، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی، در گزارش منتشرشده در ۲۴ مهر اعلام کرد که دریاچه با وجود افزایش حجم آب، همچنان حدود سه‌ونیم متر تا تراز اکولوژیک فاصله دارد. تراز اکولوژیک صرفاً یک عدد مربوط به ارتفاع سطح آب نیست؛ این شاخص با شرایط لازم برای پایداری زیست‌محیطی دریاچه ارتباط دارد. باقی‌ماندن فاصله قابل‌توجه با این تراز نشان می‌دهد که افزایش اخیر ذخیره آب هنوز برای بازگشت دریاچه به وضعیت مطلوب کافی نیست.

مسئولان محیط زیست نیز با تأیید بهبود نسبی شرایط، بر ضرورت مدیریت پایدار منابع ورودی تأکید کرده‌اند. به بیان دیگر، بارندگی می‌تواند فرصت احیا ایجاد کند، اما حفظ این فرصت به تصمیم‌های مدیریتی وابسته است.

مسئله اصلی همچنان مصرف آب در حوضه است

یکی از عوامل مؤثر بر بحران دریاچه ارومیه، فشار طولانی‌مدت بر منابع آب حوضه آبریز آن است. توسعه کشاورزی آبی، برداشت از منابع سطحی و زیرزمینی و تغییر الگوی مصرف، طی سال‌های گذشته بر میزان آبی که به دریاچه می‌رسد اثر گذاشته‌اند.

در یک پژوهش منتشرشده در تابستان ۱۴۰۴ درباره تغییرات کاربری اراضی حوضه ارومیه، توسعه ناپایدار کشاورزی، ساخت سدها و تشدید تغییرات اقلیمی و خشکسالی از عوامل اصلی کاهش آب و تضعیف اکوسیستم دریاچه معرفی شده‌اند.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که مسئله دریاچه صرفاً کمبود بارش نیست. حتی در سال‌هایی که بارندگی افزایش می‌یابد، اگر برداشت و مصرف آب در حوضه با منابع تجدیدپذیر متناسب نباشد، امکان تکرار بحران در دوره‌های خشک بعدی وجود دارد. به همین دلیل، کارشناسان بر کاهش واقعی مصرف آب کشاورزی، مدیریت برداشت از منابع زیرزمینی و تأمین حقابه زیست‌محیطی دریاچه تأکید دارند. بدون اجرای این اقدامات، افزایش سطح آب ممکن است به یک بهبود موقت محدود شود.

خطر گردوغبار نمکی همچنان مطرح است

کاهش طولانی‌مدت سطح آب دریاچه ارومیه، بخش‌هایی از بستر آن را در معرض خشکی قرار داده و نگرانی‌هایی درباره شکل‌گیری کانون‌های گردوغبار نمکی ایجاد کرده است.

افزایش حجم آب می‌تواند بخشی از بستر خشک‌شده را دوباره بپوشاند، اما تا زمانی که سطح آب به شرایط پایدار نرسیده باشد، نمی‌توان خطرهای زیست‌محیطی ناشی از خشکی دریاچه را پایان‌یافته دانست.

پیامدهای احتمالی این وضعیت تنها به محدوده دریاچه محدود نمی‌شود.

تغییر کیفیت خاک، فشار بر فعالیت‌های کشاورزی و مخاطرات ناشی از گردوغبار از جمله مسائلی هستند که ضرورت پایش مستمر شرایط دریاچه و مناطق پیرامونی را افزایش می‌دهند.

احیای دریاچه؛ مسئله بودجه و اجرا

در کنار مدیریت مصرف آب، تأمین و تخصیص منابع مالی طرح‌های احیا نیز اهمیت دارد.

در ماه‌های گذشته، گزارش‌هایی درباره ضرورت شفاف‌سازی اعتبارات اختصاص‌یافته به احیای دریاچه و نحوه هزینه‌کرد آنها منتشر شده است.

کارشناسان تأکید دارند که صرف اعلام اعتبار در بودجه برای ارزیابی پیشرفت برنامه‌های احیا کافی نیست؛ باید مشخص باشد چه میزان از منابع واقعاً تخصیص یافته و چه نتایجی در کاهش مصرف آب، تأمین حقابه و بهبود شرایط اکولوژیک حاصل شده است.

از این منظر، معیار موفقیت طرح‌های احیا نباید تنها افزایش موقت تراز آب در یک فصل پربارش باشد. پایداری سطح آب در دوره‌های خشک، کاهش فشار بر منابع حوضه و اجرای تعهدات زیست‌محیطی شاخص‌های مهم‌تری برای سنجش نتیجه اقدامات هستند.

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 9. 2026-No 86 شماره ۸۶ دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵

فرصتی که نباید با پایان بحران اشتباه گرفته شود

تازه‌ترین آمارهای دریاچه ارومیه نشان می‌دهد که شرایط آن نسبت به پاییز گذشته بهبود یافته است. افزایش تراز، گسترش پهنه آبی و توقف افت سطح آب در مهرماه تحولاتی مثبت به شمار می‌روند. با این حال، فاصله سه‌ونیم متری با تراز اکولوژیک و ادامه فشار بر منابع آب حوضه نشان می‌دهد که دریاچه هنوز از مرحله بحران عبور نکرده است. پرسش اصلی اکنون این نیست که آیا دریاچه در سال جاری آب بیشتری دارد؛ آمارها پاسخ مثبت به این پرسش می‌دهند. مسئله این است که آیا دستگاه‌های مسئول می‌توانند از فرصت ایجادشده برای اصلاح الگوی مصرف، تأمین حقابه و اجرای برنامه‌های پایدار احیا استفاده کنند یا دریاچه با بازگشت دوره‌های کم‌بارش بار دیگر با افت شدید سطح آب روبه‌رو خواهد شد.

افزایش آب دریاچه ارومیه خبری امیدوارکننده است، اما موفقیت واقعی زمانی قابل اعلام خواهد بود که این بهبود از یک تغییر فصلی به روندی پایدار تبدیل شود.

منبع: سایت امتداد

لحظه ورود طوفان شن به هفتگل خوزستان



تصاویری از هجوم طوفان شن در منطقه هفتگل خوزستان در شرایطی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که سازمان هواشناسی ایران پیش‌بینی کرده که فعالیت یک سامانه بارشی امروز در لرستان، ایلام، غرب چهارمحال و بختیاری و شمال خوزستان تشدید می‌شود و به همین دلیل هشدار نارنجی صادر کرده است. همچنین احتمال آبگرفتگی معابر، جاری شدن سیلاب و طغیان رودخانه‌های فصلی در این استان‌ها پیش‌بینی شده است و از ساکنین این مناطق خواسته شده از حاشیه و بستر رودخانه‌ها و مسیل ها فاصله بگیرند./

منبع: بی بی سی

حمله به کوه کلنگ، نگرانی‌های هسته‌ای ایجاد می‌کند؟



کوه کلنگ در نزدیکی تاسیسات نطنز، یکی از مرموزترین مجموعه‌های زیرزمینی ایران است. اگرچه گزارش‌هایی از ساخت تأسیسات عمیق برای تولید و مونتاژ سانتریفیوژ در این منطقه منتشر شده، اما هیچ‌کس به‌طور دقیق نمی‌داند اکنون چه تجهیزاتی یا موادی در داخل کوه وجود دارد و آیا فعالیت هسته‌ای در آن جریان دارد یا خیر.

به گزارش رسانانیوز، حمله احتمالی می‌تواند به تخریب زیرساخت‌ها، انفجارهای ثانویه، پراکندگی مواد شیمیایی و در صورت وجود اورانیوم، آلودگی پرتوزای محیط منجر شود. انتشار گاز سمی UF6 و آلودگی مناطق اطراف نیز از نگرانی‌های مطرح‌شده است؛ سناریوهایی که وقوعشان هنوز تایید نشده است.

منبع: رسا نیوز

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ شماره ۸۶ November 9. 2026-No 86

وقتی طبیعت به میدان قدرت تبدیل می‌شود



وقتی جنگل‌های زاگرس می‌سوزند، دریاچه ارومیه خشک می‌شود یا مدافعان محیط زیست جان می‌بازند، آیا می‌توان همه‌چیز را به خشکسالی، تغییرات اقلیمی یا حوادث طبیعی نسبت داد؟ منصور سهرابی در این مقاله با معرفی رویکرد «اکولوژی سیاسی» نشان می‌دهد که تخریب طبیعت را نمی‌توان جدا از مناسبات قدرت، تصمیم‌های سیاسی و نابرابری‌های اجتماعی فهمید. پرسش محوری او این است: چه کسانی درباره منابع طبیعی تصمیم می‌گیرند، چه کسانی از بهره‌برداری آن‌ها سود می‌برند و چه کسانی هزینه تخریب را می‌پردازند؟

طبیعت هیچ‌وقت بی‌طرف نیست

پس از سوختن جنگل‌ها، خشکی رودها یا غیرقابل تنفس شدن هوای شهر، معمولاً اولین توضیح ما این است که اتفاق‌هایی طبیعی رخ دادند و آن را با واژه‌هایی همچون گرما، خشکسالی یا باد توصیف می‌کنیم. این توضیح نادرست نیست، اما همه حقیقت را نمی‌گوید.
پشت هر تغییر بزرگ در طبیعت، تصمیمی انسانی هم هست. کسی تصمیم گرفته جاده از کجا بگذرد، معدن کجا باز شود، آب به کدام دشت برود و کدام جنگل به منطقه ممنوعه تبدیل شود. و کسی هم هست که در این تصمیم‌ها صدایی نداشته، اما هزینه‌اش را می‌پردازد.

اکولوژی سیاسی علمی است که به همین لایه پنهان نگاه می‌کند. این مقاله تلاش می‌کند این رویکرد را به زبان ساده معرفی کند: از کجا آمده، چه می‌پرسد، با چه مفاهیمی کار می‌کند و چگونه می‌تواند نگاه ما را به هر خبر محیط زیستی تغییر دهد.

اکولوژی سیاسی چیست؟

اکولوژی سیاسی، مطالعه رابطه میان طبیعت، جامعه و قدرت است. این رویکرد فرض می‌کند که مسائل محیط زیستی را نمی‌توان جدا از اقتصاد، مالکیت، دولت، طبقه، ملیت و جنسیت فهمید.

برای درک بهتر، می‌توان آن را با دو حوزه نزدیک مقایسه کرد:

حوزه پرسش اصلی نگاه به انسان

اکولوژی (بوم‌شناسی) موجودات زنده چگونه با یکدیگر و با محیط‌شان در ارتباط‌اند؟ انسان یکی از عوامل اثرگذار بر بوم‌سازگان است.

سیاست‌گذاری محیط زیستی چه قانون و چه فناوری‌ای ، مشکل را حل می‌کند؟

انسان مدیر و حل‌کننده مسئله است.

انسان‌ها برابر نیستند؛ برخی تصمیم می‌گیرند و برخی هزینه می‌پردازند

به بیان ساده، اکولوژی می‌پرسد چه اتفاقی برای طبیعت افتاده است؟ و اکولوژی سیاسی می‌پرسد چرا این اتفاق افتاده و به نفع چه کسی؟ اکولوژی سیاسی یک رشته واحد با یک نظریه واحد نیست.

بیشتر یک میدان میان‌رشته‌ای است که جغرافیدانان، انسان‌شناسان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و بوم‌شناسان در آن کار می‌کنند.

مشترک آنان یک نگاه است: طبیعت هم واقعیتی زیستی است و هم میدان کشمکش اجتماعی.

واژه اکولوژی را ارنست هکل، زیست‌شناس آلمانی، در ۱۸۶۶ ساخت؛ از ریشه یونانی اویکوس به معنای خانه. اکولوژی کلاسیک طبیعت را نظامی از جریان انرژی، چرخه مواد و تعادل گونه‌ها می‌دید؛ نظامی که گویی بیرون از تاریخ و سیاست قرار دارد.

بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۶ | November 9. 2026-No 86

اکولوژی سیاسی در چند مرحله شکل گرفت

دهه ۱۹۷۰، تولد اصطلاح: اریک وولف، انسان‌شناس آمریکایی، در مقاله‌ای در ۱۹۷۲ از اکولوژی سیاسی سخن گفت تا نشان دهد قواعد مالکیت و ارث، شکل بهره‌برداری روستاییان از زمین را تعیین می‌کند. همزمان، بحران‌های قحطی در ساحل آفریقا این پرسش را پیش کشید که چرا بلایای طبیعی همیشه فقیرترها را می‌کشند.

دهه ۱۹۸۰، چارچوب علمی: پیرز بلیکی و هارولد بروکفیلد در کتاب تخریب زمین و جامعه (۱۹۸۷) نشان دادند که فرسایش خاک را نمی‌توان با سرزنش کشاورز توضیح داد؛ باید فقر، بدهی، قیمت‌های جهانی و سیاست دولت را هم دید. آنان اکولوژی سیاسی را ترکیب دغدغه‌های بومشناختی با اقتصاد سیاسی تعریف کردند.

دهه ۱۹۹۰، گسترش: ریچارد پیت و مایکل واتس در کتاب بومشناسی‌های رهایی (۱۹۹۶) جنبش‌های اجتماعی، گفتمان و دانش را وارد بحث کردند. پرسش دیگر فقط این نبود که چه کسی منابع را در اختیار دارد، بلکه این هم بود که چه کسی حقیقت درباره طبیعت را تعریف می‌کند.

قرن بیست‌ویکم، جهانی شدن: پژوهشگرانی مانند پل رابینز، خوان مارتینز آلیه و راب نیکسون این میدان را به شهرها، تغییر اقلیم، انرژی و کشمکش‌های جهانی بر سر منابع گسترش دادند. امروز دانشگاه‌ها دوره‌های تخصصی اکولوژی سیاسی دارند و مجله اکولوژی سیاسی (Journal of Political Ecology) از ۱۹۹۴ منتشر می‌شود.

چهار پرسش بنیادین

اگر بخواهیم اکولوژی سیاسی را در چند جمله خلاصه کنیم، باید از چهار پرسش آن آغاز کنیم. این پرسش‌ها درباره هر جنگل، رود، معدن یا شهری قابل طرح‌اند: دسترسی: چه کسی به منبع طبیعی دسترسی دارد و چه کسی از آن کنار گذاشته شده است؟ تصمیم: چه کسی درباره استفاده از این منبع تصمیم می‌گیرد و صدای چه کسی شنیده نمی‌شود؟ سود و هزینه: سود بهره‌برداری به کجا می‌رود و هزینه تخریب بر دوش چه کسی می‌افتد؟ روایت: چه کسی مشکل را تعریف می‌کند؟ دانش چه کسی علمی و معتبر شمرده می‌شود و دانش چه کسی سنتی و بی‌اعتبار؟

مفاهیم کلیدی

اکولوژی سیاسی با چند مفهوم کار می‌کند که شناختن آن‌ها، خواندن هر بحران محیط زیستی را ساده‌تر می‌کند.

زنجیره توضیح

بلیکی و بروکفیلد پیشنهاد کردند که برای فهم تخریب، از سطح زمین آغاز کنیم و حلقه‌به‌حلقه بالا برویم: کشاورزی که زمین را بیش از حد شخم می‌زند؛ بدهی‌ای که او را به این کار وادار کرده؛ بازاری که قیمت محصولش را تعیین می‌کند؛ و دولتی که قواعد مالکیت و یارانه را نوشته است. نتیجه این روش ساده است: کسی که آخرین ضربه را به طبیعت می‌زند، لزوماً مقصر اصلی نیست.

دسترسی و مالکیت

طبیعت فقط وجود ندارد؛ در اختیار کسی است. وقتی مرتع مشاع به ملک خصوصی یا منطقه نظامی تبدیل می‌شود، رابطه مردم با آن عوض می‌شود. پژوهشگران این روند را حصارکشی می‌نامند: تبدیل آنچه همگانی بود به آنچه انحصاری است.

محیط زیست‌گرایی فقرا

خوان مارتینز آلیه، اقتصاددان کاتالان، نشان داد که محیط زیست‌گرایی فقط دغدغه طبقه متوسط شهری برای حفظ زیبایی طبیعت نیست. برای میلیون‌ها روستایی، ماهیگیر و دامدار، دفاع از جنگل و رود، دفاع از معیشت و بقاست. او این کشمکش‌ها را منازعات توزیع بومشناختی نامید.

خشونت آهسته

راب نیکسون در کتابی با همین نام (۲۰۱۱) از خشونتی سخن گفت که تدریجی و دور از چشم رخ می‌دهد: آلودگی‌ای که طی دهه‌ها بیماری می‌آورد، تالابی که آرام‌آرام خشک می‌شود. چون این خشونت تصویر

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 9. 2026-No 86 شماره ۸۶ دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵

ناگهانی و تکان‌دهنده ندارد، رسانه‌ها کمتر آن را می‌بینند و سیاستمداران کمتر برای آن پاسخ‌گو می‌شوند.

عدالت زیست‌محیطی

این مفهوم از جنبش‌های حقوق مدنی آمریکا در دهه ۱۹۸۰ برخاست، زمانی که ساکنان سیاه‌پوست شهرستان وارن در کارولینای شمالی در ۱۹۸۲ به دفن پسماند سمی در محله‌شان اعتراض کردند. پرسش آن ساده است: چرا آلودگی همیشه در محله فقرا و اقلیت‌ها انباشته می‌شود؟

وقتی دولت یک کوه، جنگل یا مرز را بیش از آنکه زیستگاه بداند منطقه امنیتی تعریف کند، منطق حفاظت جای خود را به منطق کنترل می‌دهد. در این وضعیت، حتی کنشگر محیط زیستی که برای خاموش کردن آتش به کوه می‌رود، ممکن است مظنون دیده شود.

دانش بومی

جوامع محلی قرن‌ها با بوم‌سازگان خود زیسته‌اند و دانشی دقیق از آن دارند. اکولوژی سیاسی نشان می‌دهد که نادیده گرفتن این دانش به نام توسعه یا علم، اغلب به شکست طرح‌های حفاظتی و حذف مردم از سرزمینشان انجامیده است. اکولوژی سیاسی در جهان واقعی مفاهیم بالا انتزاعی نیستند. در سراسر جهان، کشمکش بر سر طبیعت هر سال جان انسان‌ها را می‌گیرد. بر اساس گزارش سپتامبر ۲۰۲۶ سازمان گلوبال ویتنس، دست‌کم ۱۲۴ مدافع زمین و محیط زیست در ۲۰۲۵ کشته شدند و شمار کشته‌شدگان و ناپدیدشدگان از ۲۰۱۲ به ۲۳۷۵ نفر رسیده است. بیش از نیمی از این قتل‌ها به منازعات زمین مربوط بود و بیش از سه‌چهارم قربانیان از مردم بومی، کشاورزان خرد یا آفریقایی‌تبارها بودند. اطلس عدالت زیست‌محیطی، که در دانشگاه خودمختار بارسلونا اداره می‌شود، تا اوایل ۲۰۲۴ بیش از ۴۰۰۰ منازعه زیست‌محیطی را در جهان ثبت کرده بود. این عدد نشان می‌دهد که کشمکش بر سر طبیعت استثنا نیست؛ قاعده است.

جدول زیر چند نمونه کوتاه را کنار مفهومی می‌گذارد که آن را توضیح می‌دهد:

مفهوم مرتبط	آنچه رخ داد	نمونه
محیط‌زیست‌گرایی فقرا	شیکو مندس، رهبر کارگران شیره‌گیر کائوچو که برای حفظ جنگل در برابر دامداران بزرگ مبارزه می‌کرد، در ۱۹۸۸ ترور شد.	آمازون، برزیل
سود و هزینه نابرابر	کن سارو-ویوا، نویسنده و رهبر جنبش مردم اوگونی علیه آلودگی نفتی، در ۱۹۹۵ اعدام شد.	دلتای نیجر، نیجریه
جامعه مدنی به جای دولت	در ده سال گذشته ۲۵ کنشگر محیط زیست در آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع جان باخته‌اند ؛ از جمله حمید مرادی در ۱۴۰۴ در کوه آبیدر سنندج، جایی که به نوشته مونگابی هیچ تیم واکنش اضطراری رسمی حضور نداشت.	زاگرس، کردستان
امنیتی‌سازی طبیعت	در ۱۳۹۷ چهار کنشگر محیط زیست هنگام مهار آتشی جان باختند؛ مرگی که بسیاری آن را مشکوک می‌دانند.	مریوان، کردستان
دسترسی و قدرت بالادست	سد کولسه در سردشت جریان زاب کوچک به قلادزه را حدود ۸۰ درصد کاهش داد.	زاب کوچک، مرز ایران و اقلیم کردستان

بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۶ | November 9. 2026-No 86

خشونت آهسته	حجم آب از حدود ۳۲ میلیارد متر مکعب در ۱۹۹۵ به حدود نیم میلیارد در ۲۰۲۵ رسید.	دریاچه ارومیه
پیرامون، اول آسیب می‌بیند	بیش از ۸۵ درصد تالاب از میان رفته و طوفان گردوغبار بیش از ۲۰۰ روز در سال ادامه دارد.	تالاب هامون، سیستان

آنچه این نمونه‌های دور از هم را به هم پیوند می‌دهد، یک الگوی تکرارشونده است: تصمیم در مرکز گرفته می‌شود، سود به مرکز می‌رسد، و هزینه، از آلودگی تا جان انسان، در پیرامون پرداخت می‌شود.

اکولوژی سیاسی منتقدانی هم داشته است. مهم‌ترین نقد را اندرو وایدا و بردلی والترز در ۱۹۹۹ در مقاله‌ای با عنوان علیه اکولوژی سیاسی مطرح کردند: اینکه برخی پژوهش‌ها چنان بر سیاست تمرکز می‌کنند که خود طبیعت، یعنی خاک، آب، گیاه و فرایندهای زیستی، از تحلیل حذف می‌شود؛ یا به تعبیر برخی منتقدان، به سیاست بدون اکولوژی تبدیل می‌شود. نقد دیگر این است که این رویکرد گاه پیشاپیش می‌داند مقصر کیست و شواهد را بر همان اساس می‌چیند. این نقدها به اکولوژی سیاسی کمک کرد تا دقیق‌تر شود. امروز پژوهش خوب در این حوزه هم داده‌های بومی‌شناختی را جدی می‌گیرد و هم روابط قدرت را؛ نه طبیعت را بدون سیاست می‌بیند، نه سیاست را بدون طبیعت.

اکولوژی سیاسی به‌عنوان روش

ارزش اکولوژی سیاسی فقط در نظریه‌اش نیست. این رویکرد یک روش است؛ ابزاری که هر روزنامه‌نگار، معلم، دانشجو یا شهروند می‌تواند برای خواندن یک خبر محیط زیستی از آن استفاده کند. پنج پرسش زیر، چکیده این روش است:

- روایت رسمی چه می‌گوید؟ علت مشکل را چه کسی و چگونه اعلام کرده است: طبیعت، مردم، یا دشمن خارجی؟
- چه کسی تصمیم گرفت؟ این طرح، سد، معدن یا ممنوعیت در کدام نهاد تصویب شد و آیا مردم محلی در آن مشارکت داشتند؟
- سود به کجا رفت؟ چه کسی از این تصمیم بهره برده است: شرکت، نهاد دولتی، شهر بزرگ یا گروهی خاص؟
- هزینه را چه کسی پرداخت؟ چه کسی زمین، معیشت، سلامت یا جان خود را از دست داد؟
- چه کسی دیده نمی‌شود؟ کدام صدا، کدام دانش و کدام گروه در این روایت غایب است؟

این پرسش‌ها خبر را از یک حادثه طبیعی به یک ماجرای اجتماعی تبدیل می‌کنند. و همین تبدیل است که پاسخ‌گویی را ممکن می‌کند. طبیعت را نمی‌توان مسئول دانست؛ اما تصمیم‌گیرندگان را می‌توان.

سخن پایانی

اکولوژی به ما آموخت که در طبیعت همه چیز به همه چیز وصل است. اکولوژی سیاسی یک گام جلوتر می‌رود و می‌پرسد: این پیوندها را چه کسی می‌سازد، چه کسی می‌برد و چه کسی از بریدنشان سود می‌برد؟ برای جامعه‌ای که جنگل‌هایش می‌سوزد، تالاب‌هایش خشک می‌شود و مدافعان طبیعتش جان می‌بازند، این پرسش‌ها تجملی دانشگاهی نیستند. ابزار فهم و ابزار مطالبه‌اند. دفاع از طبیعت، در نهایت، دفاع از حق زندگی است؛ و حق زندگی همیشه یک پرسش سیاسی بوده است.

منبع: رادیو زمانه

آدرس تماس با بولتن محیط زیست

Bulletinenviro@gmail.com

https://t.me/chaleshzistbumi

بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۶ | November 9. 2026-No 86

اخبار محیط زیست جهان

محل دفن زباله ای که مدام آتش میگیرد



با شعله‌ور شدن آتش در بزرگ‌ترین محل انباشت زباله در شهر سورت واقع در غرب هند، توده‌های غلیظ دود سیاه بار دیگر فضای این شهر را فرا گرفت .

بر اساس گزارش‌های محلی، توده‌های زباله در این مکان از ابتدای سال جاری تاکنون پنج بار دچار آتش‌سوزی شده‌اند. علت این آتش‌سوزی اخیر هنوز مشخص نشده است.

منبع: بی بی سی

تعطیلی سواحل امارات به دلیل آلودگی نفتی



خبرگزاری آلمان :سواحل امارات متحده عربی زیستگاه گونه‌های متعددی از پرندگان و جانوران دریایی هستند. اکنون در پی حمله به یک نفتکش در جریان جنگ ایران، نفت به سواحل این کشور رسیده و چندین ساحل تا اطلاع ثانوی تعطیل شده‌اند.

چندین ساحل در امارت‌های شارجه، امالقوین و رأس‌الخیمه، در نزدیکی دبی، به دلیل آلودگی نفتی تعطیل شده‌اند. احتمال می‌رود این آلودگی ناشی از حمله به یک نفتکش در جریان جنگ ایران باشد.

وزارت محیط زیست امارات اعلام کرد که نفت از یک نفتکش نشت کرده و به سواحل این کشور رسیده است. تلاش‌ها برای مهار آلودگی و پاک‌سازی مناطق آسیب‌دیده ادامه دارد. در روزهای گذشته، ساکنان مناطقی از جمله شارجه، شهر همسایه دبی، از انتشار بوهای تند و آزاردهنده طی چند روز خبر داده بودند؛ بوهایی شبیه بوی بنزین یا گاز.

وزارتخانه اعلام کرد که این بوها در دست بررسی هستند، اما خطری برای سلامت انسان وجود ندارد.

چنین بوهایی ممکن است هنگام نشت نفت، بر اثر تبخیر آن و آزاد شدن ترکیبات شیمیایی ایجاد شوند. بسته به شرایط جوی، باد می‌تواند این بوها را از فاصله چند کیلومتری در دریا به سمت ساحل منتقل کند.

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 9. 2026-No 86 شماره ۸۶ دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵

جریان آب، نفت را به سوی ساحل می‌برد

به گفته ویم زواینبورخ، پژوهشگر سازمان هلندی «پاکس» که در زمینه درگیری‌ها و مسائل زیست‌محیطی تحقیق می‌کند، نفت نشت‌کرده متعلق به نفتکش «جم شماره ۲» است. این نفتکش متعلق به شرکتی مستقر در تایوان است و با پرچم پاناما حرکت می‌کند.

زواینبورخ به خبرگزاری آلمان گفت که حدود دو هفته پیش، در پی حمله به این نفتکش ۳۳۰ متری، نفت از آن نشت کرده است. به گفته او، لکه نفتی اکنون حدود ۹۰ کیلومتر طول دارد.

شرکت ارائه‌دهنده داده‌های دریایی «ویندوارد» نیز چند روز پیش گزارش داده بود که از یک نفتکش در فاصله حدود ۲۵ کیلومتری ساحل امارالقوین نفت نشت می‌کند. جریان آب، نفت را به سمت ساحل می‌برد.

سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا نیز دو هفته پیش وقوع حمله به این کشتی را گزارش کرده بود. بر اساس این گزارش، یک پرتابه به کشتی اصابت کرد و باعث آتش‌سوزی در آن شد.

سواحل و آب‌های امارات در خلیج فارس زیستگاه گونه‌های متعددی از پرندگان و جانوران دریایی هستند. صخره‌های مرجانی، جنگل‌های حرا و چمنزارهای دریایی برای این گونه‌ها پناهگاه و منبع غذا فراهم می‌کنند. گاوهای دریایی دوگونگ، دلفین‌ها و لاک‌پشت‌های دریایی نیز در این مناطق زندگی می‌کنند.

بر اساس مطالعه‌ای که پژوهشگران دانشگاه فلوریدای جنوبی آمریکا در ماه ژوئن منتشر کردند، میزان آلودگی نفتی در خلیج فارس از زمان آغاز جنگ ایران در ماه فوریه به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. پژوهشگران برای این مطالعه داده‌های ماهواره‌ای را بررسی کردند.برایان بارنز، یکی از نویسندگان این پژوهش، هنگام انتشار نتایج گفت: «ردپای نفت به‌طور گسترده‌ای گسترش یافته است«. در موارد متعددی، نفت از نفتکش‌هایی نشت کرده است که به دلیل مسدود بودن بخش عمده تنگه هرمز نتوانسته‌اند منطقه را ترک کنند./ منبع: بی بی سی

گزارش آکسفام از تجارت با فاجعه؛ ثروتمندان جهان از بحران اقلیمی دو بار سود می‌برند



گزارش تازه سازمان آکسفام نشان می‌دهد که ثروتمندترین افراد جهان نه‌تنها از سرمایه‌گذاری در صنایع آلاینده و تشدید بحران اقلیمی سود می‌برند، بلکه از پیامدهای همین بحران، از بازسازی مناطق فاجعه‌زده گرفته تا فروش تجهیزات مقابله با بلایای طبیعی، نیز درآمد کسب می‌کنند. به‌گفته این سازمان، این «سود دوگانه» افزون بر تشدید نابرابری اقتصادی، ممکن است انگیزه ثروتمندان و شرکت‌های بزرگ را برای مقابله جدی با تغییرات اقلیمی کاهش دهد؛ زیرا آن‌ها می‌توانند از خسارت‌هایی که به دیگران تحمیل می‌شود، منفعت مالی به دست آورند.
بر اساس پژوهشی که سازمان بین‌المللی آکسفام، فعال در زمینه مبارزه با فقر و نابرابری، منتشر کرده است، ثروتمندترین افراد جهان نه‌تنها از فعالیت‌هایی که به تشدید بحران اقلیمی منجر می‌شوند سود می‌برند، بلکه به‌طور فزاینده‌ای از پیامدهای فاجعه‌بار این بحران نیز درآمد کسب می‌کنند.
آکسفام دریافته است که ثروتمندترین یک‌دهم درصد جمعیت جهان، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در حوزه‌های آمادگی در برابر بلایای طبیعی، بازیابی پس از فاجعه و بازسازی مناطق آسیب‌دیده انجام داده‌اند.
پیش‌بینی می‌شود ارزش سالانه این بازار از ۷۰ میلیارد دلار به ۹۲ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۹ افزایش یابد.
از دیدگاه این سازمان، چنین وضعیتی به ثروتمندترین و بانفوذترین افراد جهان امکان می‌دهد از بحران اقلیمی به اصطلاح «سود دوگانه» ببرند: نخست، از سرمایه‌گذاری در صنایع آلاینده‌ای که به گرمایش زمین

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 9. 2026-No 86 شماره ۸۶ دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵

دامن می‌زنند و دوم، از کسب‌وکارهایی که برای مقابله با پیامدهای همین گرمایش شکل گرفته‌اند یا گسترش یافته‌اند.

آکسفام هشدار می‌دهد که این وضعیت ممکن است انگیزه‌ای برای به‌تعویق‌انداختن یا مختل‌کردن اقدامات لازم برای مهار بحران اقلیمی ایجاد کند. این روند همچنین نابرابری جهانی را تشدید می‌کند؛ زیرا مردمی که کمترین سهم را در ایجاد گرمایش زمین داشته‌اند، ناچارند هزینه‌های سنگین پیامدهای آن را بپردازند. افزایش قیمت مواد غذایی، تعمیر خانه‌هایی که بر اثر حوادث شدید جوی آسیب دیده‌اند و مهاجرت اجباری به مناطق دیگر، از جمله این هزینه‌هاست. ژان مکلین، مسئول ارشد امور تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری در آکسفام، میلیاردرها را متهم کرد که از تبدیل آشفتگی و بحران به منبع سود مالی بهره می‌برند.

او گفت: «ابرثروتمندان از هر دو سوی بحران سود می‌برند: نخست، از طریق ادامه سرمایه‌گذاری در صنایع آلاینده و دوم، با سرمایه‌گذاری در اقتصاد رو به رونق سازگاری با تغییرات اقلیمی؛ اقتصادی که در آن خدمات بازیابی و بازسازی به جهانی فروخته می‌شود که هر روز گرم‌تر می‌شود».

مکلین افزود: «جمعیت‌هایی که کمترین سهم را در ایجاد بحران اقلیمی داشته‌اند، سنگین‌ترین پیامدهای آن را تحمل می‌کنند؛ در حالی که عاملان اصلی این بحران بیش از دیگران توانایی محافظت از خود را دارند».

سهم نامتناسب ثروتمندان در انتشار گازهای گلخانه‌ای

بر اساس گزارش آکسفام، حدود هشت میلیون نفر از ثروتمندترین افراد جهان، که یک‌دهم درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، بیش از ۳٫۵ میلیارد نفر از فقیرترین مردم جهان گازهای گلخانه‌ای منتشر می‌کنند.

گازهای گلخانه‌ای، مانند دی‌اکسید کربن، گرما را در جو زمین نگه می‌دارند و افزایش غلظت آن‌ها یکی از عوامل اصلی گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی است. برآوردهای این گزارش نشان می‌دهد که سهم این گروه بسیار ثروتمند در ایجاد رویدادهای گرمای شدید، از جمله موج‌های گرما، حدود ۱۲۵ برابر سهم متوسط هر فرد بوده است.

بخشی از این تفاوت به سبک زندگی ثروتمندان مربوط می‌شود. برای مثال، هواپیماهای جت خصوصی جهان تنها در دو ثانیه بیش از مقداری دی‌اکسید کربن منتشر می‌کنند که بخش بزرگی از مردم جهان در طول یک سال تولید می‌کنند.

با این حال، آکسفام تأکید می‌کند که مهم‌ترین تأثیر ثروتمندان بر اقلیم، لزوماً از مصرف شخصی آن‌ها ناشی نمی‌شود، بلکه سرمایه‌گذاری‌هایشان نقش بزرگ‌تری دارد. هنگامی که ثروتمندان سرمایه خود را در شرکت‌های نفت و گاز، صنایع آلاینده یا کسب‌وکارهای وابسته به سوخت‌های فسیلی به‌کار می‌اندازند، به تداوم فعالیت‌هایی کمک می‌کنند که انتشار گازهای گلخانه‌ای را افزایش می‌دهد.

شاخص «تخریب و بازسازی»: چه کسانی از بحران سود می‌برند؟

آکسفام در این پژوهش شاخصی با عنوان «شاخص تخریب و بازسازی» معرفی کرده است. این شاخص ۲۱۷ شرکت را شناسایی می‌کند که یا در تشدید بحران اقلیمی نقش دارند یا از طریق عرضه محصولات و خدمات سازگاری با تغییرات اقلیمی از پیامدهای آن کسب درآمد می‌کنند.

منظور از سازگاری با تغییرات اقلیمی مجموعه اقداماتی است که برای کاهش آسیب‌های ناشی از تغییرات اقلیمی انجام می‌شود؛ برای مثال، نصب موانع سیل، استفاده از تجهیزات سرمایشی، تقویت ساختمان‌ها در برابر شرایط جوی شدید، توسعه تجهیزات آتش‌نشانی و فراهم‌کردن پوشش بیمه‌ای برای خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی.

شرکت‌های مورد بررسی در این شاخص، عرصه‌های متنوعی را پوشش می‌دهند: از تولید دستگاه‌های سرمایشی و موانع محافظ در برابر سیل گرفته تا

بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ شماره ۸۶ November 9. 2026-No 86

تجهیزات آتش‌نشـــانی، حمل‌ونقل، مواد غذایی، بیمه و اعطای وام.

بر اساس گزارش، این شرکت‌ها در سال گذشته به‌طور متوســـط ۱٫۸ میلیارد دلار درآمد یا ســـود گزارش‌شـــده داشـــته‌اند و در مجموع یک میلیارد دلار از محل ســـود سهام به سهامداران خود پرداخت کرده‌اند.
ســـود ســـهام بخشـــی از ســـود شـــرکت اســـت که به صاحبان سهام پرداخت می‌شود. بنابراین، هنگامی که شـــرکتی از افزایش تقاضـا برای خدمات مقابله با بلایای طبیعی درآمد کســـب می‌کند، بخشـــی از این منفعت می‌تواند به سرمایه‌گذارانی برسد که سهام آن شرکت را در اختیار دارند.
آکسفام همچنین شش شرکت بزرگ مدیریت دارایی را در این فهرســـت قرار داده اســـت. شـــرکت‌های مدیریت دارایی، سـرمایه افراد و مؤسـسـات را در مجموعه‌ای از ســـهام، اوراق بهادار و دیگر دارایی‌ها ســـرمایه‌گذاری می‌کنند و در بســـیاری موارد به ســـرمایه‌گذاران ثروتمند مشاوره می‌دهند.
طبق گزارش، دو شـــرکت بزرگ این حوزه، بلک‌راک (BlackRock)و ونگـارد(Vanguard) ، در ۹۲ درصـــد شـــرکت‌های موجود در شـــاخص ســـهام دارند. ارزش مجموع این ســـهام، بنا بر برآورد آکســـفام، بیش از یک تریلیون دلار است.
این نکته به معنای آن نیسـت که بلک‌راک و ونگارد لزوماً مالکیت کامل این شـــرکت‌ها را در اختیار دارند یا تمام تصمیم‌های آن‌ها را کنترل می‌کنند؛ بلکه نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری آن‌ها در شمار بزرگی از شرکت‌های فعال در این حوزه گسترده است.

بحران‌هـا چگونـه قیمـت مواد غـذایی و ســـود شرکت‌های بزرگ را افزایش می‌دهند؟

آکســـفام همچنین به نقش شـــرکت‌های بزرگ تجارت جهانی مواد غذایی اشـــاره می‌کند؛ شـــرکت‌هایی که بخش مهمی از بازار خریدوفروش و توزیع کالاهایی مانند غلات، روغن‌های خوراکی و محصـولات کشـاورزی را در اختیار دارند.
بر اســـاس این گزارش، بحران‌هایی که در اثر حوادث شـــدید جوی یا جنگ ایجاد می‌شـــوند، در مواردی به افزایش سـود این شـرکت‌ها انجامیده‌اند. از سـال ۲۰۲۰ تاکنون، ثروت میلیاردرهای فعال در این عرصـــه، بنا بر برآورد گزارش، ۱۲۰ میلیارد دلار افزایش یافته است.
هنگامی که خشـکسـالی، سـیل یا طوفان به محصـولات کشـاورزی آسـیب می‌زند، عرضـه برخی مواد غذایی کاهش می‌یابد و قیمت‌ها ممکن اســـت افزایش پیدا کننـد. در چنین شـــرایطی، شـــرکـت‌هـای بزرگ و سـرمایه‌گذاران آن‌ها می‌توانند از افزایش قیمت‌ها منتفع شـوند؛ در حالی که کشـاورزان کوچک و مصـرف‌کنندگان عادی با هزینه‌های بیشتری روبه‌رو می‌شوند.
افزایش قیمت مواد غذایی همیشـــه به معنای افزایش سـود همه شـرکت‌های تجاری نیسـت؛ نتیجه نهایی به عواملی ماننـد میزان ذخـایر، هزینـه‌هـای حمـل‌ونقـل، قراردادها و شـرایط بازار بسـتگی دارد. انتقاد آکسـفام متوجه سـاختاری اسـت که در آن قدرت اقتصـادی و توانایی بهره‌برداری از نوســـان‌های بازار به‌طور نامتوازن توزیع شده است.
این سـازمان برای نمونه به افزایش ۲۳۱ درصـدی قیمت کاکائو پس از وقوع حوادث شـدید جوی در غرب آفریقا در سـال ۲۰۲۴ اشـاره می‌کند. به‌گفته آکسـفام، کشـاورزان محلی از این افزایش قیمت بهره‌ای نبردند.
به باور آکســـفام، این مثال نشـــان می‌دهد که حتی هنگامی که اختلال در تولید محصـــولات کشـــاورزی به افزایش قیمت جهانی منجر می‌شـــود، منفعت مالی الزاماً به تولیدکنندگانی نمی‌رسد که بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند.

هزینـه انســـانی بحران؛ مرگ‌ومیر بیشـــتر در کشورهای کم‌درآمد

پیـامـدهـای این نـابرابری تنهـا بـه توزیع ثروت محـدود نمی‌شود و می‌تواند به بهای جان انسان‌ها تمام شود.
»آکســـفام برآورد می‌کند که انتشـــار ســـالانه گازهای گلخانه‌ای از ســـوی یک درصـد ثروتمندترین افراد جهان، در بلندمدت باعث حدود ۱٫۹ میلیون مورد مرگ زودرس بر اثر گرما خواهد شـد؛ مرگ‌هایی که در صورت نبود این میزان از انتشـــار گازهای گلخانه‌ای انتظار نمی‌رفت رخ دهند«.
این برآورد بر محاســـبات مربوط به تأثیر گرمایش زمین بر سلامت انسان، بهره‌وری کشاورزی و افزایش سطح آب دریاها استوار است. منظور از این رقم، مرگ‌هایی است که در اثر گرمایش ناشـی از انتشـار گازهای گلخانه‌ای، فراتر از میزان مورد انتظار در شـرایطی بدون این حجم از انتشار، رخ خواهند داد.
بنابراین، این آمار پیش‌بینی پیامدهای احتمالی در آینده است، نه شمار مرگ‌هایی که تاکنون اتفاق افتاده‌اند.

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 9. 2026-No 86 شماره ۸۶ دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵

بر اساس گزارش، بیش از سه‌چهارم این مرگ‌ها در کشورهای با درآمد پایین و متوسط رخ خواهد داد؛ کشورهایی که مسئولیت بسیار کمتری در ایجاد بحران دارند و تنها حدود هشت درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای را به خود اختصاص می‌دهند.
این نابرابری تا حد زیادی به تفاوت در امکانات اقتصادی و ظرفیت محافظت از مردم مربوط است. کشورهای ثروتمند و افراد مرفه، دست‌کم در شرایط کنونی، معمولاً امکانات بیشتری برای مقابله با پیامدهای بحران اقلیمی دارند: آن‌ها راحت‌تر می‌توانند هزینه‌های بالاتر مواد غذایی را بپردازند، در خانه‌های مقاوم‌تر زندگی کنند، هنگام بروز خطر از مناطق آسیب‌دیده خارج شوند یا از خدمات درمانی خصوصی و حفاظت امنیتی برخوردار شوند.
در مقابل، خانواده‌های کم‌درآمد ممکن است حتی برای تعمیر خانه، تأمین غذای کافی یا جابه‌جایی به منطقه‌ای امن‌تر با دشواری روبه‌رو شوند.

آیا ثروتمندان مانع مقابله با تغییرات اقلیمی می‌شوند؟

آکسفام معتقد است که برخورداری ثروتمندان از امکانات بیشتر برای محافظت از خود، ممکن است انگیزه آن‌ها را برای حمایت از سیاست‌های جدی مقابله با بحران اقلیمی کاهش دهد.
به‌گفته این سازمان، قدرت لابی‌گری و نفوذ سیاسی برخی از این افراد و شرکت‌ها نیز می‌تواند به تأخیر در تصویب یا اجرای سیاست‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر شود؛ به‌ویژه اگر چنین سیاست‌هایی منافع اقتصادی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.
لابی‌گری می‌تواند در چارچوب‌های قانونی انجام شود، اما هنگامی که منابع مالی بسیار نابرابر باشند، ممکن است دسترسی و نفوذ گروه‌های ثروتمند بر روند تصمیم‌گیری عمومی بیشتر شود.
آکسفام همچنین هشدار می‌دهد که برخی بازیگران اقتصادی از بحران‌ها برای پیشبرد خصوصی‌سازی خدمات عمومی یا تشویق کشورهای فقیر به دریافت وام استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی، کشورهایی که از پیش با محدودیت منابع مالی مواجه‌اند، ممکن است برای بازسازی پس از بلایای طبیعی ناچار به پذیرش بدهی‌های تازه شوند.
الکس میتلند، یکی از نویسندگان اصلی گزارش، می‌گوید ثروتمندترین افراد صرفاً بهره‌مندان منفعل از بحران اقلیمی نیستند. او گفت: «این امر عمدی است».
میتلند افزود اگر نفوذ سیاسی ثروتمندان نیز در نظر گرفته شود، این گزارش شواهدی جدی درباره توانایی آن‌ها برای جهت‌دادن به روند تحولات فراهم می‌کند.

درخواست آکسفام: مالیات بیشتر بر ثروتمندان و تأمین مالی اقلیمی بدون وام

آکسفام از دولت‌ها می‌خواهد مالیات بیشتری بر ثروتمندان، هواپیماهای جت خصوصی، شرکت‌های نفت و گاز و دیگر بنگاه‌های آلاینده وضع کنند.
این سازمان همچنین از دولت بریتانیا می‌خواهد تعهدات خود در زمینه تأمین مالی بین‌المللی اقدامات اقلیمی را تقویت کند و در این مسیر به‌جای وام، بیشتر از کمک‌های مالی بلاعوض استفاده کند.
تأمین مالی اقلیمی به منابعی گفته می‌شود که برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یا کمک به کشورها برای سازگاری با پیامدهای تغییرات اقلیمی اختصاص می‌یابد. تفاوت مهم میان وام و کمک بلاعوض این است که وام باید بازپرداخت شود، اما کمک بلاعوض بدهی جدیدی برای دریافت‌کننده ایجاد نمی‌کند.
از این رو، آکسفام استدلال می‌کند که تأمین مالی خسارت‌های اقلیمی در کشورهای فقیر نباید بار بدهی آن‌ها را سنگین‌تر کند.
این سازمان همچنین خواستار پایان‌دادن به کسب سود نامتناسب از فجایع اقلیمی است.
نفکوت دابی، مسئول سیاست‌گذاری تغییرات اقلیمی در آکسفام بین‌الملل، گفت: «آن‌چه صحبت‌کردن درباره تغییرات اقلیمی را پیچیده می‌کند این است که همه دوست دارند آن را مشکلی مشترک بدانند، اما چنین نیست».
او افزود: «مقابله با بحران اقلیمی واقعاً ساده است: ثروتمندترین افراد را مهار کنید، قدرتشان را محدود کنید، انتشار گازهای گلخانه‌ای آن‌ها را کاهش دهید و از ثروتشان مالیات بگیرید./ منبع: رادیو زمانه